پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

فردوسی بزرگ

آیا فردوسی زن ستیز بود؟!

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۲ مهر ۱۳۹۵ · ۱۰ دقیقه مطالعه

چکیدهٔ مقاله

ما در شاهنامه زنان برجسته بسیاری از جمله رودابه، تهمینه، فرنگیس و منیژه داریم. پس چه می شود که به ناگه به ابیاتی بر میخوریم که به ضم ما زن ستیزانه بنظر میرسد؟ به مانند: همي خواست ديدن در راستي / ز كار زن آيد همه كاستي چن اين داستان سر بسر بشنوي / به آيد ترا گر به زن نگروي كرا از پس پرده دختر بود / اگر تاج دارد بد اختر بود كسي كو بود مهتر انجمن / كفن بهتر او را ز فرمان زن سياوش ز گفتار زن شد به باد / خجسته زني كو ز مادر نزاد قبل از هرچیز باید به یاد بیاوریم که فردوسی اشعارش را از روی یک (چند) متن

پارسیان دژ / فردوسی بزرگ

ما در شاهنامه زنان برجسته بسیاری از جمله رودابه، تهمینه، فرنگیس و منیژه داریم.
پس چه می شود که به ناگه به ابیاتی بر میخوریم که به ضم ما زن ستیزانه بنظر میرسد؟
به مانند:

همي خواست ديدن در راستي / ز كار زن آيد همه كاستي
چن اين داستان سر بسر بشنوي / به آيد ترا گر به زن نگروي
كرا از پس پرده دختر بود / اگر تاج دارد بد اختر بود
كسي كو بود مهتر انجمن / كفن بهتر او را ز فرمان زن
سياوش ز گفتار زن شد به باد / خجسته زني كو ز مادر نزاد

قبل از هرچیز باید به یاد بیاوریم که فردوسی اشعارش را از روی یک (چند) متن مینویسد و تا جای ممکن تلاش کرد که امانت دار خوبی باشد

همچنین بعضی از ابیات در نسخه های متفاوت شاهنامه به آن الحاق شده اند

ابیات الحاقی :

این بیت به داستان سیاوش (سیاوخش)، شاهزاده پاك نهاد ایرانی مربوط می‌شود که نامادریش سوداوه بدو دل می‌بازد و او را به سوی خود می‌خواند؛ اما پس از آن که با مخالفت سیاوش رو به رو می‌شود و از وصل ناامید، نزد شوهرش کیکاوس چنین وانمود می‌کند که سیاوش قصد دست‌اندازی به او را داشته است. سرانجام به پیشنهاد موبدان سیاوش برای اثبات بی‌گناهی خود باید از آتش بگذرد. هیزم انبوهی گرد می‌آید و همه منتظرند که سیاوش از کوه آتش بگذرد (چ. خالقی، ج ۲، برگ ۲۳۴، ب ۴۷۶ـ ۴۷۲) :

نهاد هیزم دو کوه بلند — شمارش گذر کرد بر چون و چند
ز دور از دو فرسنگ هر کس بدید — چنین جست باید بلا را کلید
همی خواست دیدن در راستی — زکار زن آید همه کاستی
چن این داستان سر بسر بشنوی — به آید ترا گر به زن نگروی
به گیتی بجز پارسا زن مجوی — زن بدکنش خواری آرد به روی
زن و اژدها هر دو در خاك به — جهان پاك ازین هر دو ناپاك به

بیت آخر در ۱۵ دست نویس از کهن‌ترین و معتبرترین دست نویس های شاهنامه که تصحیح جلال خالقی مطلق بر پایه ی آن ها استوار است، نیست و در چاپ های معروف ژول مول و مسکو و حتا بروخیم نیز دیده نمی‌شود.

رستم پس از ذکر دلاوری های خود به پدرش زال می‌گوید(چ. ژول مول، ج ۱، برگ ۲۲۳، ب ۵۹ ـ۵۸) :

از افکندن شیر شیرمست مرد　　همان جستن رزم و دشت نبرد

زنان را از آن نام ناید بلند　　که پیوسته در خوردن و خفتنند

این دو بیت از میان ۱۵دست نویس مبنای تصحیح خالقی(ج ۱، برگ ۳۳۳، پی نوشت ۴) ،تنها در یك دست نویس اصلی و سه دست نویس فرعی آمده استو بنا بر این قطعا الحاقی است.

زمانی که رودابه عاشق زال می‌شود

چو بگرفت جای خرد آرزوی　　دگرگونه تر شد به آیین و خوی

چه نیکو سخن گفت آن رای زن　　ز مردان مکن یاد در پیش زن

دل زن همان دیو را هست جای　　ز گفتار باشند جوینده رای

دو بیت آخر از میان ۱۵دست نویس مبنای تصحیح خالقی (ج ۱، برگ ۱۸۷، پی نوشت ۲۰) تنها در دوتا آمده است. این دو بیت که از طریق دست نویس به چاپ ژول مول راه یافته، در دست نویس های کهن و معتبر نیست و طبعن الحاقی است.

شاه یمن هنگامی که دخترانش را ـ که سخت دوست می‌دارد ـ به ناچار به پسران فریدون به زنی می‌دهد و از جدا شدن از دختران دل آزرده است، می‌گوید(ج. مسکو، ج ۱، برگ ۸۹، ب ۱۷۰):

به اختر کس آن دان که دخترش نیست　　چو دختر بود روشن اخترش نیست

این بیت با این که از میان ۱۵ دست نویس مبنای تصحیح خالقی تنها در دو دست نویس اصلی نیامده و در غالب دست نویس های دیگر مضبوط است، به تشخیص تصحیح کنندگان شوروی مشکوك و به تشخیص خالقی (ج ۱، برگ ۱۰۲، پی نوشت ۲٦) الحاقی است.

سوداوه همچنان در کار سیاوش دسیسه می‌کند و با «جادوی ساختن» بدگمانی کیکاوس را نسبت به پسرش افزون می‌کند(چ. خالقی، ج ۱، برگ ۲۳۹، ب ۵۵۸ـ ۵۵۷):

برین داستان زد یکی رهنمون　　که مهری فزون نیست از مهر خون

چو فرزند شایسته آمد پدید　　ز مهر زنان دل بباید برید

در چاپ ژول مول (ج ۲، برگ ۱۲۳، ب ٦۰۳) پس از این دو بیت که بی‌گمان اصلی است، بیت زیر آمده است:

زبان دیگر و دلْشْ جایی دگر　　ازو پای یابی که جویی تو سر

این بیت در چاپ ژول مول (ج ۲، برگ ۱۲۳، ب ۶۰۳) آمده .از میان ۱۵ دست نویس مبنای تصحیح خالقی، این بیت تنها در 6 تای آن ها (ج ۱، برگ ۲۳۹، پی نوشت ۳۱) و در ۹ دست نویس کهن و معتبر دیگر نیست. این بیت باز هم از طریق دست نویسبه چاپ ژول مول راه یافته است. در دست نویس بی تاریخ لنینگراد (در چاپ مسکو با نشان VI) به جای این بیت، بیت زیر آمده است:

بکاری مکن نیز فرمان زن که هرگز نبینی زنی رای زن

هنگامی که افراسیاب از شیفتگی دخترش منیژه به بیژن، دلاور ایرانی، آگاهی می‌یابد و در می‌یابد که «ز ایران گزیده‌ست جفت»(چ. خالقی، ج ۳، برگ ۳۲۳، ۲۳۶ـ ۲۳۵) :

به دست از مژه خون مژگان برفت برآشفت و این داستان باز گفت
کرا از پس پرده دختر بود اگر تاج دارد بداختر بود

پس از این دو بیت در چاپ مسکو (ج ۵، برگ ۲۳، ب ۲۶۳) بیت زیر آمده است:

کرا دختر آید به جای پسر به از کور داماد ناید بدر

این بیت در ۷ دست نویس آمده و در ۸ دست نویس دیگر که کهن‌ترین دست نویس شاهنامه در رأس آن هاست، نیست و خالقی نیز به درستی آن را الحاقی تشخیص داده است.

نوش زاد، پسر مسیحی انوشیروان سر به شورش برمی‌دارد و انوشیروان درنامه‌ای به مرزبان مداین مأموریت می‌دهد که شورش را سرکوب کند و بدو می‌نویسد(چ. مسکو، ج ۸، برگ ۱۰۲، ب ۸۴۷ ـ ۸۴۶):

سپاهی که هستند با نوش زاد کجا سر بپیچند چندین ز داد

تو آن را جز از باد و بازی مدان گزاف زنان بود و رای بدان

در مورد مصرع دوم از بیت دوم، تصحیح کنندگان شوروی هنگامی که از میان ۵ دست نویس مبنای تصحیح خود، ضبط اقدم دست نویس ها را تصحیف شده دیده‌اند (گزاف جهاندیده آزی مدان)، ضبط یگانه و کاملن با مفهوم و ساده ی قاهره ۷۹۶ (در چ. مسکو با نشان K) را به متن برده و ضبط های ل و بقیه ی دست نویس ها را به حاشیه رانده‌اند.

زنان را ستایی سگان را ستای که یك سگ به از صد زن پارسای

این بیت زن‌ستیزانه و سخت سخیف به نام فردوسی در امثال و حکم دهخدا (تهران، ۱۳۱۰ ش، ج ۲، برگ ۹۱۹، س ۲۵) ضبط شده، ولی نگارنده آن را در هیچ یك ازچاپ های شاهنامه نیافته است. چنان چه این بیت در شاهنامه‌ای هم یافت شود، آشکارا پیداست که جعلی است.

همچنین به یاد داشته باشیم زمانی که درحال روایت یک داستان هستیم بعضی چیز ها را به زبان می آوریم که از زبان ما نیست بلکه در حقیقت از زبان شخصیت داستان است و ما فقط راوی هستیم.

همانند ابیات زیر که الحاقی نیست ولی از زبان شخصیت هاست نه فردوسی:

بیت های اصلی:

در آغاز «گفتار اندر گذشتن سیاوخش بر آتش»(چ. خالقی، ج ۲، برگ ۲۳۴، ب ۴۷٦ـ ۴۷۵):

ز کار زن آید همه کاستی
همی خواست دیدن در راستی

به آید ترا گر به زن نگروی
چن این داستان سر بسر بشنوی

رستم هنگامی که از کشته شدن سیاوش، که سوداوه عامل اصلی آن بود، باخبر می‌شود چنین می‌گوید(چ. خالقی، ج ۵، برگ ۳۸۲، ب ۴۹ـ ۴۸):

کفن بهتر او را ز فرمان زن
کسی کو بود مهتر انجمن

خجسته زنی کو ز مادر نزاد
سیاوش ز گفتار زن شد به باد

کیکاوس به سفارش سوداوه از سیاوش می‌خواهد که به شبستان او در میان زنان رود. سیاوش به پدر می‌گوید(چ. خالقی، ج ۲، برگ ۲۳، ب ١٦١):

به دانش زنان کی نمایند راه
چه آموزم اندر شبستان شاه؟

باز هم درباره ی سوداوه(چ. خالقی، ج 2، ص 239، ب 558ـ557):

که مهری فزون نیست از مهر خون
برین داستان زد یکی رهنمون

زمهر زنان دل بباید برید
چو فرزند شایسته آمد پدید

افراسیاب می‌گوید :

اگر تاج دارد بد اختر بود
کرا از پس پرده دختر بود

انگشتری رستم به دست بیژن می‌افتد و او درمی‌یابد که به زودی از بند چاه رها می‌شود. پیش از آن که این راز را نزد منیژه برملا کند، می‌گوید(چ. خالقی، ج ۳، برگ ۳۷٦، ب ۹۸۳):

زنان را زبان هم نماند به بند
که گر لب بدوزی ز بهر گزند

کتایون، دختر قیصر روم، عاشق گشتاسپ، پادشاه کیانی می‌شود و آن گاه که قیصر از ماجرا آگاه می‌گردد (چ. مسکو، ج ٦، برگ ۲۳، ب ۲۵۵ـ ۲۵۳):

که از پرده عیب آورد بر نژاد
چنین داد پاسخ که دختر مباد

به ننگ اندرون پست گردد سرم
اگر من سپارم بدو دخترم

به کاخ اندرون سر بباید برید
هم او را و آن را که او برگزید

(چ. خالقی، ج ۵، برگ های ۲۹۵ـ ۲۹۴،ب ۴۰ـ ۳۷):

که نیکو زد این داستان هوشیار
چنین گفت با مادر اسفندیار

چو گویی سخن بازیابی به کوی
که پیش زنان راز هرگز مگوی

که هرگز نبینی زنی رای زن
به کاری مکن نیز فرمان زن

(چ. خالقی، ج ۵، برگ ۳۳۰، ب ۴٦۵ـ ۴٦۴):

همن نزد پدرش اسفندیار از دلاوری های رستم می‌گوید و:

ورا بر سر انجمن کرد خوار
ز بهمن برآشفت اسفندیار

نزیبد که با زن نشیند به راز
بدو گفت کز مردم سرفراز

روزبه، موبد بهرام گور درباره ی این پادشاه زنباره می‌گویدچ. مسکو، ج ۷، برگ ۳۴۹، ب ۷۷۷ـ ۷۷۰):

به یك تیر بر هم بدوزد دو گور
نبیند چنو کس به بالای و زور

به زودی شود سست چون پرنیان
تبه گردد از خفت و خیز زنان

به تن سست گردد به لب لاژورد
کند دیده تاریك و رخساره زرد

سپیدی کند در جهان ناامید
ز بوی زنان موی گردد سپید

ز کار زنان چند گونه بلاست
جوان را شود گوژ بالای راست

گر افزون بود خون بود ریختن
به یك ماه یك بار آمیختن

بباید جوان خردمند را
همین بار از بهر فرزند را

ز سستی تن مرد بی‌خون کند
چو افزون کنی کاهش افزون کند

ابوالفضل خطیبی (پژوهشگر زبان و ادب فارسی) در این باره چنین می گوید:درست است که همه بیت های زن ستیزانه ای که در بخش «بیت های اصلی» نقل شد، بی‌گمان سروده ی فردوسی است، ولی به این نکته باید نیك توجه کرد که فردوسی از روی یك متن شعر می‌سراید و خود با صراحت می‌گوید که با امانت‌داری، مطالب منبع خود را به رشته نظم می‌کشد.در شاهنامه به هیچ روی چنین نیست که نگرش منفی فردوسی نسبت به زن از زبان قهرمانان داستان ها بیان شده باشد، بلکه برعکس این نگرش های منفی قهرمانان داستان هاست بر زبان فردوسی. چنان چه شاهنامه و قهرمانان آن آفریده ی ذهن خلاق فردوسی نیز می‌بود، باز هم این نگرش های منفی به زن لزومن نگرش داستان‌سرا نبوده و او حق داشته است که قهرمانانی خلق کند که نسبت به زن نگرش منفی داشته باشند.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «آیا فردوسی زن ستیز بود؟!»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://parsiandej.ir/articles/1867/pdf/آیا-فردوسی-زن-ستیز-بود.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵